

## سرمقاله

## ابتکار جدید استرا و همگان برای حفظ توازن منطقه ای

منصور امان

نزول چند بند و مفاد پندآمیز و آکنده از امیدواری به لطف ملاها، به گونه ی عملی کارکرد اولتیماتوم و ابزار فشاری که در دست دارد را یکسره خنثی می کند.

با وجود آنکه هیچ نشانه ای از تغییر برداشت تعهد دهندگان دور قبیله گفتگوها از پایداری به وعده های شفاهی و مکتوب خویش وجود ندارد و حتی یک شاهد امیدوار کننده نیز از دگرگونی در سیاست پنهانکارانه و نیرنگ آمیز جمهوری اسلامی در افق پدیدار نیست، تیم سه جانبه، بار دیگر بر طبل بی پژواک پیشین کوفته و ملاها را به "توقف غنی سازی و پردازش اورانیوم" فراخوانده است. این درخواست در عمل مفهوم دیگری جز فراهم آوردن زمینه ی مساعد برای دور جدیدی از موش و گربه بازی جمهوری اسلامی و اثبات موفقیت آمیز بودن این سیاست به طراحان آن نمی توان داشته باشد. پیامی که راهکار تجربه شده مزبور ارسال می کند، در یک کلام تشویق ملاها به ادامه راه طی شده و به مقصد رساندن خویش است. سناریو نیز تفاوت چندانی با داستانهای سعدآباد و بروکسل نخواهد داشت؛ چند تعهد برسر این میز و شماری توافق در آن نشست - همانگونه که تجربه شد - به خوبی قادر به بازگذاشتن انتهای بحران و واگذاشته شدن به سامان امور خواهد بود. مذاکره کنندگان اروپایی حتی زحمت جستجوی ترفند جدید در این راستا را نیز از کرده ملاها برداشته اند. آنان شاید برای اینکه میزان واقعی قاطعیت خود در امر جلوگیری جمهوری اسلامی از دستیابی به سلاح هسته ای را به نمایش بگذارند، درخواست مزبور را به "تا زمان دست یافتن به توافق درازمدت" مشروط کرده اند. گرداندگان "نظام"، همچون شرکای خویش، بدان اندازه بازاری هستند که این تعارف برای استفاده از درب پشتی را بی پاسخ نگذارند. از این رو غیرمنتظره نخواهد بود که نخست با درخواست تعیین یک جدول زمانی مشخص برای "دست یافتن به توافق درازمدت" به میدان بیایند و براین پایه در گام بعدی، مرحله بندی "تعلیق" را خواستار شوند. چیزی که برای ردگم کردن البته می تواند تمدید پذیر هم باشد.

ژست بزرگوارانه و همزمان بی تناسبی که هیات سه جانبه به نشانه ی پاس داشتن از این گویا عقب نشینی از خود به نمایش گذاشته است، می تواند بر لب حتی عبوس ترین تیره ملاها نیز تبسم بنشاند. معامله گران انگلیسی،

قرارداد روا نداشتند، بلکه تلاش خویش در زمینه تامین پیش ساختارهای غنی سازی و تکمیل چرخه تولید سوخت هسته ای را گسترش داده و بدان شتاب بخشیدند. در نتیجه، آقایان استرا، باریه و فیشر اکنون چاره ای جز این ندارند که به جای مساله اورانیوم قاچاق یا طرحهای کاغذی ساتری فیوژ، موضع پروژه آب سنگین اصفهان و تولید انبوه دستگاههای مزبور را در مرکز نگرانیهای خود قرار دهند. از آن رو که دوستان رنجدیده ملاها، وانمود می کنند این بار با نشان دادن "چماق" شورای امنیت، سرخود را در برابر گذاشته شدن کلاه جدیدی برآن بیمه کرده اند، در این مورد نیز هیچ چاره ای جز بازگشت به تجربه تلخ گذشته برجای نمی ماند. هنوز زمان لازم برای یاد بردن این نکته سپری نگشته است که برگ شرمده ی دیپلماسی آنها در سعدآباد، پس از صدور یک اولتیماتوم شدید الحن ۵۰ روزه از سوی آژانس بین المللی نگاهشته شد. هیات اجرایی آژانس در این بیانیه، به صراحت از جمهوری اسلامی خواستار "رفع ابهامات و همکاری" شده بود و به سان امروز، بازگشت پرونده هسته ای ملاها به شورای امنیت و در دستور کار گذاشتن تدابیر بازدارنده دیگر را به مثابه چشم انداز بی توجهی ملاها به فراخوان مزبور ترسیم نموده بود. با چنین پشتوانه ای وزرای مربوطه به تهران شتافتند تا شاهکار سعدآباد را بیافرینند. تمام هنر دیپلماسی آقای استرا و همگان را در این می توان خلاصه کرد که حصار تنیده شده برگرد ملاها را با روزنه های گشادی که امکان عبور بی زحمت پروژه زحمت اتمی جمهوری اسلامی با دم و دنبالچه را فراهم می آورد، از دورنمایه تهی کرد.

هنگامی که در چارچوب یک رقابت حیاتی تر با آمریکا، رویارویی با جنون هسته ای ملاها تنها در سطح تیمار مریض می تواند حرکت کند، قوی ترین تدابیر نیز به غلبه بر بیماری راه نمی برد و در نهایت در خدمت به صحنه بردن مضحکه هایی از جنس "توافق سعدآباد" قرار خواهد گرفت. پیشنهادهای جدید سه بازیگر شناخته شده، این بار نیز هیچ کمکی به تحت تاثیر قرار گرفتن ملاها از چماق کمکی نمی کند و فراتر از آن، یکبار دیگر با

فرانسوی و آلمانی، فهرستی از اقلام درخواستی و اشتهابرانگیز که از باز کردن راه برای "دسترسی به بازارهای سوخت اتمی" و "حمایت از راه اندازی تحقیقات آب سبک" آغاز و به "ازسرگیری همکاریهای تجاری" و "پشتیبانی از عضویت جمهوری اسلامی در سازمان تجارت جهانی" پایان می یابد را در طبق اخلاص نهاده اند و امیدوارند "شیرینی" مربوطه، غریزه شناخته شده آزمندی در ملاها را به اندازه کافی تحریک کند.

اروپا و موتورهای سیاسی و اقتصادی آن، هرگز شایسته عنوان "جهان آزاد" نبودند اگر حتی در گرماگرم گره گشایی از یک بحران جدی اتمی نیز نگرانی همیشگی خود در مورد مساله حقوق بشر در جمهوری اسلامی را از چشم دور می داشتند. آنچه که آنها در این باره برای درمیان گذاشتن با رژیم ملاها دارند، شاید خواندنی ترین بخش پیشنهاد های آنان باشد و همزمان می تواند گویاترین شاهد بر سمتگیری این مجموعه ی مکتوب به شمار برود. بدین گونه که سه کشور مورد بحث، به پشتیبانی از حقوق حاکمان اسلامی برای تداوم بخشیدن به حکومت خود، برخاسته اند. اگرچه از هنگام تسخیر شجاعانه یک دفتر اپوزسیون ملاها در حومه پاریس توسط لشگری از پلیس و گاردهای ویژه، این دیگر نمی تواند یک نوآوری به حساب بیاید اما تاکنون نیز بدین صراحت در هیچ کجا سندیت نیافته است.

عقبه ی سعدآباد، در سند مزبور به جمهوری اسلامی اطمینان داده اند که مانع فعالیت بزرگترین جریان متشکل مخالف جمهوری اسلامی، سازمان مجاهدین خلق، خواهند گردید، آن را از طریق "ضوابط قانونی و مقررات مربوطه" تحت فشار قرار خواهند داد و سرانجام به پرونده سازی علیه آن تحت عنوان "گروه تروریستی" ادامه خواهند داد.

طرح مساله یک گروه اپوزسیون در مذاکرات رسمی بر سر موضوعی که کمترین ارتباطی با آن ندارد و آنهم به عنوان بخشی از امتیازات پیش بینی شده در صورت دستیابی به توافق، دست کم به لحاظ شفافیت در وقاحت، از شانس خوبی برای تبدیل شدن به مثال تاریخی برخوردار است. دولت‌های انگلیس، فرانسه و آلمان با عرضه ی خود به عنوان پادوی ملاها در سرکوب مخالفان آنها، فقط شعور دموکراتیک شهروندان خود را به استهزا نگرفته اند، بقیه در صفحه ۹

راه حلهایی که سه تفنگدار اروپایی برای خاتمه دادن به تلاشهای جمهوری اسلامی در زمینه دستیابی به سلاح اتمی ارایه نموده اند، از کلیه ویژگیهای لازم برای تبدیل شدن به یک رسوایی جدید از نوع "توافق سعدآباد" برخوردار است. تدبیرهای مزبور یکبار دیگر روی حسن نیت رژیم ملاها شرط بندی کرده و اقدامات ضروری در این پهنه را یکسره به اراده آن که گویا توسط عرضه این یا آن تعهد ارزش گذاری می شود، منوط می سازد.

پیشنهادها و درخواستهای مزبور، یک بازگشت به وضعیت یکسال و اندی پیش است یعنی، هنگامی که جمهوری اسلامی پس از طی یک دوره کشمکش بین المللی، سه تعهد، امضای پروتکل الحاقی، همکاریهای نامحدود و داوطلبانه با آژانس و تعلیق غنی سازی را پذیرفت. آنچه که در عمل اتفاق افتاد، سیاه روی سفید در کارنامه این ابتکار دیپلماتیک، ثبت شده است. مکان امضای ملاها زیر پروتکل الحاقی همچنان خالی است و رهبران، کارگزاران و صحنه گردانان جمهوری اسلامی این سند را همچون پوستر دست چندم تبلیغاتی، گاهی برای تهدید و باجگیری و زمانی برای دلجویی و ملایمت بر سر بازار مکاره دیپلماسی هسته ای خود می چرخاند.

شرح شکایات و گلایه های سه تفنگدار اروپایی و آژانس بین المللی انرژی اتمی در باره دستاورد دیگر "سعدآباد" و به بیان روشنتر، "همکاری داوطلبانه و نامحدود" ملاها با آژانس، در این میان برای پرکردن صفحات کتاب قطوری در باب جفا در یک رابطه ی رمانتیک یکطرفه، کافی به نظر می رسد. تاسیسات زیرزمینی، آثار بی نام و نشان اورانیوم غنی شده، پروژه های مخفی، تجهیزات پیشرفته ی به یکبار نازل شده، حجره های تاریک در بازار سیاه اتمی و جز اینها میزان جدی گرفته شدن میهمانان سعدآباد توسط میزبان را به خوبی نشان داده است.

پیرامون مساله کانونی بحران یعنی، دست کشیدن از غنی سازی اورانیوم، وضعیت از این هم اسفابتر است. ملاها برخلاف تعهدی که سپرده بودند نه تنها فرجه تعلیق تا نشست بعدی هیات اجرایی آژانس را به طرفهای